

اختیار تامّ موصی در اموالش

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (92) امر و خلق - جلد 4

۹۲ - اختیار تامّ موصی در اموالش

و در رسالهء سؤال و جواب است: " سؤال آیا شخص میتواند در کتاب وصیت از اموال خود چیزی قرار دهد که بعد از وفات او در امور خیریه صرف شود بغیر اداء حقوق الله و حقوق ناس یا اینکه بغیر از مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض الله بوراث میرسد جواب انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفّق و همچنین حقّ الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت مینویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست قد اذن الله له بان يفعل فیما ملّکه الله کیف یشاء "

و در لوحی است قوله الاعلی: " از اختیار عبد در اموال مخصوصهء خود نمودی که اگر بخواهد در حین حیات اموال خود را بیک نفس بخشد و یا بذل کند مختار است یا باید بما نزل فی کتاب الاقدس عمل شود از قبل حکم آنچه ذکر نمودی از قلم اعلی جاری و نازل و حال مجدداً ذکر میشود فضلاً من لدنا علیک لتفرح و تكون من الحامدین هر نفسی در اموال خود مختار بوده و هست چه اگر اختیار منع شود عزّ وجود محو گردد در یک مقام عزّت عباد باموال بوده و هست " و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز: " اما مسألهء موارد این در صورتی است که شخص متوفّی وصیت نماید آنوقت این تقسیم جاری گردد ولی هر نفسی مکلف بر وصیت است بلکه فرض و واجب است و صریح نصوص الهیه است که در حالت صحّت خویش باید حکماً وصیت نماید و بحسب میل خویش هر نوعی که بخواهد وصیت کند و آن وصیت نامه را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد در اینصورت شخص متوفّی میدانی وسیع دارد که در زمان حیات بهر قسمی که میل دارد وصیت نماید تا مجری شود "



ORIGINAL

و قوله العزیز: " اما مسألهء میراث که سبب تحیر است حقیقتش این است که انسان مختار مطلق است و هر قسم بخواهد بموجب وصیت نامه اموال را در ایام خویش بین وراثت تقسیم مینماید و توزیع میکند که بعد از او مجری گردد وصیت فرض بر کل است یعنی هر نفسی باید در ایام حیات خویش وصیتی محکم و متین و صریح بنویسد و مهور و مستور نماید و در محل بسیار امنی محفوظ دارد و در وصیت مختار است و وصیت نامه معمول به و مقدم بر هر حکمی است و نفسی مقتدر بر تغییر و تبدیل نیست در اینصورت اگر جمیع اموال را باولاد خویش دهد مقتدر است اما اگر نفسی اطاعت امر نکند و وصیت نامه ننویسد و این تکلیف الهی را مخالفت نماید و یا آنکه وصیت نامه از میان برود اموال او بر حسب اسهام مفروضه تقسیم شود و فی الحقیقه این حکم مبرم اعظم حکمتش این است که نفسی بیوصیت نامه نفس نکشد ملاحظه می فرمائید که از جهت عدم وصیت نامه میراث بتمامها بر خلاف رضای مورث توزیع و تقسیم و تفریق میشود و چه مشکلاتی و منازعاتی حاصل گردد ولی وصیت نامه قاطع هر نزاعی و سبب راحت کلّ زیرا انسان بحسب آرزو و خواهش خویش وصیت مینماید چقدر خوش است که اموال موروثه تماماً برضا و آرزومندی مورث تقسیم شود و توزیع گردد ملاحظه کنید که بسیار نفوس قبل از وفات از ممت خویش چقدر مضطرب اند حال این حکم الهی یعنی فرضیت و وجوب وصیت نامه قبل از فوت حلّ جمیع این مشکلات گردد "